



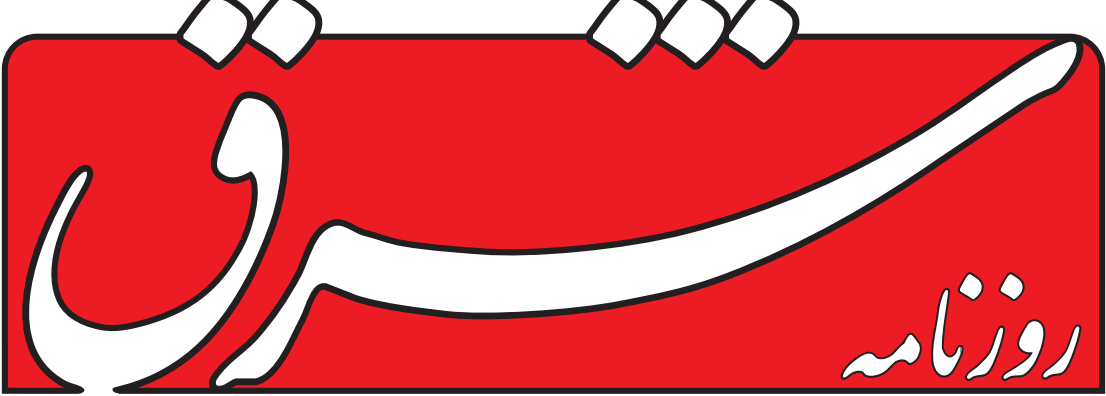
حسن روحانی:

اسم برجام را می آوریم برخی ناراحت می شوند

گروه سیاست: رئیس جمهوری روز گذشته در دیدار وزیر، معاونان و مدیران ارشد وزارت جهاد کشاورزی، قاجاق کالاهای اساسی را که با ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومانی تامین می شود، رانت خواری، سوءاستفاده و خیانت به کشور دانست....

صفحه ۲

سه شنبه ۱۸ دی ۱۳۹۷ | ۱ جمادی الاول ۱۴۴۰ | ۸ ژانویه ۲۰۱۹



رئیس قوه قضائیه در واکنش به ادعای شکنجه اسماعیل بخشی

برخورد خلاف قانون پذیرفته نیست

صفحه ۲



صفحه ۱۵

ابراهیم متقی، استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، در گفت وگو با «شرق»:

رئییسی هم رئیس جمهور می شد همین بود

صفحه ۳

دبیر شورای امنیت ملی ۲ هفته بعد از سفر به کابل خبر داد

۲ فرستاده آمریکا برای مذاکره با شمخانی

عکس: مهدی تصویرلی، اپلنا

مدیرعامل رجا در گفت وگو با «شرق» دلایل توقف قطارهای سریع السیر را تشریح کرد

بلای رد دیون احمدی نژاد

صفحه ۵

یادداشت

انضباط حاکم بر بودجه را نادیده نگیرید

رفته، مؤید همین مطلب است. در این تبصره سه عدد برای بحث اشتغال به چشم می خورد. عدد ۲۱۰ میلیارد تومانی از محل افزایش حامل های انرژی برای ایجاد اشتغال تنها یکی از راهکارهای دولت برای ساماندهی به این حوزه پراسیب و چالش زای کشور است. اظهارات رئیس جمهور در صحن علنی مجلس به هنگام تقدیم لایحه بودجه مبنی بر اینکه همه شرکت های وزارت رفا باید واگذار شود، راهبرد دولت برای ساماندهی به اقتصاد، خروج از اقتصاد دولتی و مشارکت مردم در این حوزه را به نمایش می گذارد. بدون تردید عزم دولت برای واگذاری این شرکت ها می تواند به موضوع اشتغال کمک شایسته ای کند. ما امیدواریم با منابع صندوق توسعه ملی که همان ۲۰ درصد یعنی نزدیک ۱۵ هزار میلیارد تومان است و البته همین مقدار ارز هم از منابع بانک ها برداشت می شود، عددی ۴۰ تا ۵۰ هزار میلیاردی را به اشتغال در این تبصره اختصاص دهد. این نکته را نباید از نظر دور کرد که صرفا پرداخت تسهیلات به صورت مستقیم مورد توجه نیست؛ بلکه منابعی که در این تبصره دیده شده، به صورت اهرمی کار می کند؛ یعنی مشوق هایی برای ایجاد اشتغال به کار گرفته می شود. برای مثال در پرداخت تسهیلات بانکی، چنین پیش بینی شده است که درصدی از سود به عنوان بارانه سود پرداختی لحاظ شود. همچنین قسمتی به صورت وجوه اداره شده و قسمتی به صورت کمک بلاعوض در نظر گرفته خواهد شد.

ادامه در صفحه ۶



محمد حسینی نماینده تفرش آشتیان و فراهان

بودجه ریزی عملیاتی - مبتنی بر عملکرد - که برای نخستین بار در کشور اجرائی می شود و نیز انقباضی بودن این لایحه، این مفهوم را به ذهن متبادر می کند که به گمان برخی، دولت خوش بینانه بودجه سال آتی را نبسته و با توجه به واقعیات موجود و تاکتیک های دفاعی برای رویارویی در جنگ اقتصادی، لایحه سال آینده را تدوین کرده است. این ادعا البته به آن معنا نیست که هیچ نقدی بر آن مترتب نباشد؛ ولی انضباط حاکم بر آن را نمی توان نادیده گرفت. یکی از مهم ترین ویژگی های بودجه سال آتی، کم شدن ردیف های متفرقه است. بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد - که از آن می توان به عنوان اولویت های بودجه سال ۹۸ یاد کرد - در بخش های مختلف ازجمله اشتغال، هدفمندی، درآمد های نفتی، افزایش رفاه اجتماعی، کاهش فقر مطلق و... به چشم می خورد. اگرچه رئیس جمهور برخلاف سنوات گذشته به هنگام تقدیم لایحه بودجه به مجلس، وعده های خاص درباره افزایش فرصت های شغلی نداد؛ اما در نظر گرفتن منابع خاص برای حوزه اشتغال نشان می دهد دولت در حد توان می کوشد تا با تمام کاستی های موجود، این حوزه را سامان دهد. توجه به تبصره ۱۸ لایحه بودجه که موضوع اشتغال را نشانه

یادداشت

از فیلم های نامستند چه برمی آید؟

دیگری را درباره شهید حسن آیت ساخته بودند تا به وسیله آن، به خیال خودشان اصلاح طلبان را به مسلخ ببرند.

چرا اینها دست به این کار زده اند و چه کسانی این اصولگرایان جوان را که در پی نام و شهرت هستند، به میدان آورده اند؟ چرا این به اصطلاح مستندا از سوی کسانی که نه تنها سوزه را نمی شناسند، بلکه با بسیاری از مفاهیم سیاسی و فرهنگی نیز نا آشنا هستند و ماهیت تاریخ ایران و انقلاب اسلامی را هم متوجه نشده اند، تولید می شود؟ ایرادی به سازندگان این فیلم ها وارد نیست که چرا فیلم می سازند؛ اینها کار خودشان را می کنند و حق الزحمه خود را می گیرند. اشکال در این است که می گویند فیلم ها مستند هستند؛ درحالی که مستند نیستند، می گویند بدون سانسورند، اما بدون سانسور نیستند، می گویند تحریف نشده اند، ولی تحریف های زیادی دارند و می گویند بی طرفانه هستند؛ درحالی که آشکارا به نفع یک طرف و علیه طرف دیگرند. پس این ادعای آنها که دارند تاریخ انقلاب اسلامی را برای جوانان روایت می کنند، ادعای بجایی نیست. مگر می توان از طریق فیلم های غیرمستند، سانسور شده، تحریف دار و کاملاً یک طرفه با مردم و جوانان بی خبر از حقایق و واقعیات دهه های پیشین، صادقانه حرف زد؟ باید از حامیان این فیلم سازان آموخت، اما پرشور و وابسته به یک تفکر، پرسید با چه انگیزه ای این همه هزینه می کنند و طرفداران خود را در دانشگاه ها، ادارات، مساجد و محلات وامی دارند که مردم را مجانی به تماشای آنها فراخوانند؟ به نظر می رسد پاسخ این پرسش روشن است؛ شخصیت هایی که در این نامستند های تحریف گر تاریخ تخریب می شوند، میان مردم اعتبار بالایی دارند و روز به روز بر اعتبار و ارزش آنان افزوده می شود. افزایش این اعتبار، باعث کاهش اعتبار مخالفان آنان می شود و تحمل این برای اصولگرایان، به خصوص افراطیون این جناح، ممکن نیست؛ در نتیجه چاره را در هزینه کردن پول های کلان می بینند. بدیهی است اگر این شیوه پاسخ می داد، با توجه به تلاش ۱۴ ساعته و هر روزه رسانه ملی و سایر دستگاه های فرهنگی و تبلیغاتی در اختیار آنان، نتیجه بهتر از آنچه امروزه در سطح جامعه مشاهده می کنیم، می بود؛ در صورتی که می دانیم شخصیت های بزرگی که به وضع موجود انتقاد داشتند و انتهای راه اصولگرایان را بن بست می دانستند و می دانند، حتی با نداشتن سهم کوچکی از رسانه های رسمی، به دلیل صداقت و پیش بینی درستشان و سیاست مدبرانه شان، مرکز استقبال مردم قرار گرفته اند و مردم به یادشان هستند.

ادامه در صفحه ۴



مصطفی ایزدی

دلوایسان همچنان نا آرام اند و علی الظاهر برای تخریب منتقدان و مخالفان خود، پایانی نمی شناسند. دلسوزان جامعه از نقد منصفانه و گفت وگویی سازنده استقبال می کنند، اما آنان که از هرگونه نقد و گفت وگو می هراسند، شیوه های دیگری را برمیگزینند تا مبادا در دام افشاکاری گرفتار آیند. این گروه از سیاستمداران فاصله دار با مردم، همه رسانه های مکتوب خود را در خدمت ضربه زدن به اصلاح طلبان در آوردند، اما راه به جایی نبردند؛ فضای مجازی را به کار گرفتند، اما نتوانستند شکست های پیشین را جبران کنند. تهدید و ارباب نیز که از قبل بی اثر شده بود، اینک که خیلی از راه ها را جلوی خود بسته می بینند، جوانان علاقه مند به هنر تصویری را همراه خود کرده اند تا شاید از این راه به جایی برسند؛ درحالی که بسیار بعید است از این نمد هم بتوانند کلاهی برای خود بسازند. دلوایسان یا اصولگرایان تندرو می توانند به جای این همه ترفند و تقلای بی ثمر، گرفتار و اندیشه های خود را تغییر دهند و در راهی گام بگذارند که مناسب فهم، درک و دانش جوانان امروز جامعه است. تغییر شیوه و انتخاب انواع و اقسام مواد و وسیله القای دیدگاه، بهیودی در بحران محبوبیت آنها ایجاد نمی کند. مدتی است چند جوان علاقه مند به فیلم سازی، با تشویق، حمایت و احتمالاً برنامه ریزی اصولگرایان، دست به کار ساختن فیلم های نامستند شده اند که مثلاً تصویری را از مخالفان فکری خویش، با تعریفی که خود دارند، در جامعه ترسیم کنند و از این راه برای جلب مخاطبان جوان به سمت دیدگاه های خود، توفیقی به دست آورند. ساخت و نمایش گسترده فیلم های نامستند «راه طی شده» که به مخدوش کردن نام، یاد و محبوبیت زنده یاد مهندس مهدی بازارگان می پردازد، نامستند «هاشمی زنده است» که شخصیت مرحوم آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی را نشانه رفته و به ویژه نامستند «قائم مقام» که پیش از اینها به تحریف بخشی از تاریخ انقلاب اسلامی دست زده، گویای این واقعیت است که دلوایسان از روی ناچاری و شاید نا آگاهی، دست به کاری زده اند که در چارچوبی تعریف شده، همه داروندار یک ملت یا هویت یک جامعه را به بازی گرفته است؛ غافل از اینکه بر شاخه نشسته اند و بن می برند. شک نداریم این کار نزارو به همین چند نفر خلاصه نمی شود؛ پیش تر نیز فیلم نامستند

ادامه در صفحه ۴

وعده تعامل دولت و اصلاح طلبان هنوز محقق نشده است

بی اطلاعی واعظی از دلیل تشکیل نشدن «کمیته تعامل»

گروه سیاست: سه ماه از دیدار اصلاح طلبان با رئیس جمهوری و توافق آنها برای تشکیل «کمیته تعامل» گذشته؛ اما رئیس دفتر روحانی گفته نمی داند چرا این کمیته تشکیل نشده است. نیمه مهر امسال بود که جمعی...

صفحه ۲

سال شانزدهم | شماره ۳۳۳۷ | ۱۶ صفحه | ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

رصد نشانگان

سیدمصطفی هاشمی طباطبائی



در یکی دو ماه اخیر اتفاقاتی در سطح مدیریت کشور روی داده که اگر بی سابقه نباشد، بسیار کم سابقه است. استعفا ی دسته جمعی نمایندگان اصفهان در مجلس و تقابل نمایندگان سه استان دیگر با آنها، برخورد هماهنگ تعدادی از نمایندگان مجلس از تفکرات متفاوت در تقابل با رئیس جمهوری در هنگام تقدیم لایحه بودجه و توجه نکردن مجلس به سخنان دکتر روحانی ازجمله این اتفاقات است که نیاز به ژرف اندیشی و واکاوی دارد. نظرات ابراز شده از سوی رحیم پورازغدی در نماز جمعه و سکولار خواندن حوزه های دینی و پاسخ برخی آیات عظام به این سخنان، موضوع ساده ای نیست که بتوان از آن ساده گذشت و نوعی تضاد فکری در عرصه سیاسی- دینی کشور را نشان می دهد. استعفا ی مسعود نبلی از سمت خود در دولت که نشان دهنده پشت کردن رئیس جمهور به نظرات اقتصادی او است و نظرات یوسف اباذری درخصوص مصیبت بارخواندن نظرات نئولیبرالیستی او و دیگران همراه با کج دارومریز رفتارکردن ریاست جمهور و سازمان برنامه و عدم صراحت دکتر روحانی در بیان مسائل و مشکلات کشور که نشانه نوعی گریز از مسائل کشور و تسلیم روزمرگی شدن بدون داشتن نقشه راه در تقابل با تحریم های آمریکا و تبعیت نسبی بین المللی از آن است، نمی تواند کشور را به آینده مطلوب رهنمون کند. سخنان تلویحی رئیس جمهور درباره مسائل حاد کشور همواره در میان جملات امیدبخش پنهان می شود و اینکه گفته شده «تا وقتی تحریم ها ادامه دارد، نمی توان کاملاً مشکلات را از بین برد»، تنها یک اشاره گذرا به مسائل جامعه است. رئیس جمهور البته نگفته اگر تحریم ها برداشته شود، آیا مسائل کشور حل می شود یا خیر؟ درحالی که مردم همه مشکلات را احساس می کنند، عادی وانمودکردن اوضاع و اشاره ناکافی به مشکلات نمی تواند حلال مسائل و امور مردم باشد. اگر مسعود نبلی ها در پی حاکم کردن لیبرالیسم بر تصمیمات دولت بوده اند، فقط به برخی مواضع ورود کرده اند و هرگز نه توانسته اند و نه می توانند نوعی حاکمیت لیبرالیستی را تثبیت کنند. دولت برقرار کنند. نه او و نه هیچ یک از تئوریسین های اقتصادی کشور نتوانسته اند یک سیستم جامع اقتصادی برای کشور همراه با تبعات اجرایی آن طراحی کنند. برنامه ششم توسعه که در حقیقت نشان دهنده راهبرد سیستم اجرایی و اقتصادی کشور است، ملغمه ای از سوسیالیسم، پیوپولیسم و لیبرالیسم است و هیچ نشانه ای از تبعات اجرایی آن ارائه نشده است. صدا البته برنامه ای که ۸۰۰ هزار میلیارد تومان اعتبار می خواهد، در کمدهای مجلس و دولت و سازمان برنامه خاک خواهد خورد. درحالی که امروز عبارت «جنگ اقتصادی» کاملاً به کار می رود و ایران در برابر تحریم های آمریکا، محافظه کاری اروپا و همراهی نسبی آنها با آمریکا و احتمال قطع رابطه بانکی با دنیا به خاطر تصویب نشدن FATF و گریه رقصانی این سازمان بین الدولی قرار دارد، بودجه کشور همان بودجه قبلی است و هیچ تغییر ماهوی در آن دیده نمی شود. تغییرات جزئی اعلام شده نیز هیچ اثری در ماهیت بودجه نداشته است. این در حالی است که «جنگ اقتصادی» فقط به عنوان یک لفظ در میان مسئولان مطرح است؛ درحالی که اثرات آن به شدت در جامعه دیده می شود. نرخ تورم فقط یکی از آثار آن است. «جنگ اقتصادی» تنها جنگ علیه ایران نیست، تهدیدات و سیاست های مثلث آمریکا، عربستان و اسرائیل موضوعی است که نمی توان به سادگی از آن گذشت؛ هرچند در این نوشته به آن اشاراتی نخواهد شد، همچنان که از «مسئله آب» که یک تهدید داخلی است، نباید به سهولت گذر کرد.

ادامه در صفحه ۴

تیتراها

پاسخ سازمان برنامه به گزارش «شرق»

تهاتر ۱۳۶ هزار میلیارد تومانی بدهی دولت

صفحه ۴

علی مطهری: حجاب را به رفراندوم بگذارید

اکثریت جامعه به آن رای خواهند داد

صفحه ۱۳

هر دلار یک تومان می شود

صفحه ۴

ایران با ۵ کل یمن را شکست داد

پنجه «یوز»

بر صورت آسیا

صفحه ۱۴



واکنش به لغو اکران مستند فائزه هاشمی در مشهد

صفحه ۱۰

حرف اول

سهم ما فقط بستن بود؟

سیدجمال هادیان طباطبائی زواره



در عجبم که چرا در سده داناتی هنوز باید برای اثبات برخی از بدیهیات علمی چانه بزنیم. شاید سرعت بی حد و حصر اطلاع رسانی از رهگذر توسعه فضای مجازی به ما اجازه عمیق شدن و به دقت اندیشیدن نداده است؛ به همین دلیل از برخی پیچیدگی ها و ظرایف این فضای تودرتو غافلیم و بر نظرات سنتی و گاه کاملاً مقابل با یافته های علمی افشاکاری می کنیم. اینکه در قرن حاضر و دنیای داناتی ناگزیر از پیوستن به شبکه جهانی اینترنت و بهره بردن از فضای مجازی هستیم، بر کسی پوشیده نیست و اینکه این فضای بی انتها علاوه بر همه مزایا و امکانات خویش می تواند گاهی مایه تهدید و خطر هم باشد، بر همه روشن است، اما آیا منطقی است که «یک خیر کنتر را به دلیل یک شر قلیل کلاً تعطیل کنیم» یا باید با هوشمندی راه چاره عالمانه ای بیندیشیم. امروز اگر با وجود همه بهره هایی که از فضای مجازی می بریم، گاهی هم در برابر آن آسیب پذیریم. مشکل از فضای مجازی نیست بلکه باید خودمان را مواخذه کنیم که: اولاً تاکنون اهتمام جدی برای تولید محتوای مناسب با فرهنگ و سبک زندگی مان تولید نکرده ایم. ثانیاً به جای عقلایی اندیشیدن و ترسیم راهکار علمی برای مواجهه با این فضا به زور و سلب و بستن روی آورده ایم. قدمای ما نصیحتمان کرده اند: «کرهی که با دست باز می شود، با دندان باز نکشیم» و بارها ما را از گفتن آنچه به آن یقین نداریم، بازداشتند اما با این همه کجاست گوش شنوا؟ تا خبری دروغ در بولتنی یا کانالی می آید، سریع باور می کنیم و آماده حمله می شویم که باید بست! باید فیلتر کرد! آیا قدمی برای تفکر و گفت وگو ی علمی درباره فضای مجازی برداشته ایم؟ آیا تاکنون سراغی از جوانان بااستعدادی که در گوشه و کنار کشور با کمترین حمایت تولید محتوای می کنند، گرفته ایم؟ آیا تاکنون با خود اندیشیده ایم که بستن، محدود و مسدود کردن شبکه ها و پیام رسان های پر مخاطب بدون در نظر گرفتن ملاحظات آن چه عواقبی دارد؟ آیا فکر کرده ایم که با این رفتار موجب رواج ترنم افزارهای ویژه دورزدن درهای بسته شده ایم و کودکان و نوجوانان را در این فضا رها کرده ایم؟

ادامه در صفحه ۴

تصحیح و پوزش

روز گذشته در یادداشت این ستون، عکس سرپرست شهرداری منطقه ۱ به اشتباه منتشر شده بود که از ایشان و مخاطبان پوزش می خواهم.

همراهان امروز روزنامه شرق

رجوع به صفحه ۱۵

رجوع به صفحه ۳

رجوع به صفحه ۵

بانک اقتصادنوین

EN BANK

IRIRAN'S FIRST PRIVATE BANK

Since 1960